



ISSN:2423-7663



فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال پانزدهم/شماره پنجاه و نهم/پاییز ۱۴۰۰

مفهوم‌شناسی نظام تأمین اجتماعی در دولت کریمه مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام با تأکید بر مفهوم قرآنی حیات طیبه*

علی زهراب^۱
مهدی عبداللهی‌پور^۲
سیدمحمد نقیب^۳
علی غضنفری^۴

چکیده

تأمین اجتماعی در مفهوم رایج آن، به تأمین نیازهای مادی محدود می‌شود. از آن‌جا که از سویی بنابر روایات متواتر، دولت کریمه مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام، دولتی عدالت‌گستر معرفی و از سوی دیگر در اندیشه معاصر بشری، یکی از ارکان تحقق عدالت اجتماعی، تأمین اجتماعی در مفهوم رایج آن تلقی شده است، این پرسش مطرح است که تأمین اجتماعی در دولت مهدوی عَلَيْهِ السَّلَام دارای چه مفهومی و تأمین‌کننده کدام نیازهاست و آیا می‌توان آن را محدود به مفهوم رایج آن تصور کرد؟ فرضیه این پژوهش آن است که با توجه به این‌که دولت منجی موعود عَلَيْهِ السَّلَام، دولتی با حاکمیت قرآن کریم است، قهراً تمامی راهکارهای عدالت‌گستری از جمله تأمین اجتماعی، دارای رویکرد و مفهومی قرآنی خواهد بود؛ از این رو، این پژوهش، در پی مفهوم قرآنی تأمین اجتماعی و جایگاه آن در دولت منجی موعود عَلَيْهِ السَّلَام است. از سوی دیگر، از آن‌جا که هدف نظام تأمین اجتماعی، حتی در مفهوم رایج و متداول آن، نهایتاً تأمین آرامش انسان است و به نظر می‌رسد این هدف، ارتباطی تنگاتنگ با حیات طیبه انسان دارد،

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۷

۱. دکترای تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم دانشکده تفسیر و معارف قرآن (نویسنده مسئول) (mihan54@mihanmail.ir).

۲. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (abdollahipour@yahoo.com).

۳. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (amin20057@yahoo.com).

۴. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (ali@qazanfari.net).

در این پژوهش به مفهوم‌شناسی تأمین اجتماعی در دولت مهدوی عَلَيْهِ السَّلَام با تأکید بر مفهوم حیات طیبه پرداخته شده است. براین اساس، مفهوم نظام تأمین اجتماعی در دوران ظهور، مفهومی ایمان‌مدار و عمل‌صالح‌محور خواهد بود. دو عنصری که هم در اعتقاد به مهدویت و هم در زمینه‌سازی دوران ظهور نقش بسیار سازنده‌ای دارد. این تلقی از تأمین اجتماعی، موجب خواهد شد که در دوران انتظار، تمامی اندیشه‌ها و قوانین تأمین اجتماعی در جوامع قرآن‌مدار، در راستای مفهوم آن در دولت مهدوی عَلَيْهِ السَّلَام و برای تأمین نیازهای مادی و معنوی و در نتیجه کرامت، امنیت و آرامش هر دو جهانی انسان اجتماعی تنظیم گردد و تمامی تصمیمات و راهکارها در راستای تأمین ایمان و عمل‌صالح باشد و نه آنچه که در اندیشه سکولار و تنها برای تأمین جنبه‌های محدود مادی و لذت‌های دنیوی مطرح شده است؛ که در این صورت زمینه‌ساز تشکیل هرچه زودتر دولت مهدوی عَلَيْهِ السَّلَام خواهد بود.

واژگان کلیدی

تأمین اجتماعی، قرآن، دولت مهدوی، دوران ظهور، حیات طیبه.

مقدمه

عقیده به منجی موعود، باوری فراگیر در اندیشه بشری است و تقریباً هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که از این اندیشه بیگانه باشد؛ هرچند موعوداندیشی در ادیان و آئین‌های مختلف همچون اسلام، یهود، مسیح، زرتشت، هندو و بودا گوناگون است، ولی همگی در رهایی بشر از ستم و بی‌عدالتی و ناآرامی و برخورداری از عدالت و امنیت و آرامش مشترک‌اند. (موحدیان، ۱۳۸۱: ۱۰۷-۱۲۹) در قرآن کریم نیز در آیات متعدد (اعراف: ۱۲۸؛ انبیاء: ۲۱؛ نور: ۲۴؛ قصص: ۲۸) به ظهور منجی موعود، یعنی امام دوازدهم، مهدی عَلَيْهِ السَّلَام وعده داده شده است. قرآن کریم، هدف بعثت پیامبران را ساخت جامعه عدالت‌محور - با تمام ظرفیت معنایی آن از جمله جامعه خداپرست - معرفی کرده است (حدید: ۲۵)؛ لکن هرچند که هر کدام از پیامبران الهی، گامی بلند در تحقق این امر برداشتند، ولی نهایتاً شرایط تأسیس جامعه عدل جهانی تا به امروز فراهم نگردیده و بنابر روایات امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام تحقق آن در دوران ظهور قائم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام قطعی و حتمی است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۴۴-۶۴). در این میان، بشر و پس از گذار از زندگی چند هزار ساله و ورود به دوران شکوفایی صنعت و پس از دو جنگ جهانی و خانمان‌سوز و سایر منازعات بین‌المللی و درک بیش از پیش خودکامگی‌ها و ناعدالتی‌های اجتماعی، در اندیشه ساخت جهانی نوین با هدف رسیدن به عدالت نسبی برآمد تا اندکی از

بی‌عدالتی و درد و رنج حاصل از آن بکاهد؛ از این رو، مفاهیم فراوانی توسط متصدیان امور جوامع انسانی و با هدف دسترسی به عدالت اجتماعی شکل گرفت. یکی از این مفاهیم، «تأمین اجتماعی» است. اصطلاحی که در نگاه نخست، ذهن را به مفهوم گسترده‌ای از تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان در بستر اجتماع منتقل می‌کند؛ اما با مراجعه به تعریف آن، عمدتاً با مفهومی اقتصاد محور و محدود به حمایت معیشتی حداقلی افراد جامعه، توسط نهادها و سازمان‌هایی دولتی و گاه نیمه‌دولتی و خصوصی مواجه خواهیم شد (ر.ک: میرزایی، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۹). در تعریف تأمین اجتماعی چنین گفته شده است:

حمایتی است که جامعه به اعضاء خود از طریق یک سلسله اقدامات عمومی در مقابل فشارهای اقتصادی و اجتماعی که از قطع و یا کاهش قابل توجه درآمد ناشی از بیماری، حوادث شغلی، بیکاری، ازکارافتادگی، سالمندی، مرگ و مراقبت‌های درمانی برای خانواده و فرزندان ارائه می‌کند. (اخوان بهبهانی، ۱۳۹۶: ۲۰)

در مقاله‌نامه ۱۰۲ سازمان بین‌المللی کار، تأمین اجتماعی این‌گونه تعریف شده است: تأمین اجتماعی به منزله حمایتی است که جامعه در قبال پیریشانی‌های اجتماعی و اقتصادی پدید آمده به واسطه قطع یا کاهش شدید درآمد افراد بر اثر بیکاری، بیماری، بارداری، ازکارافتادگی، سالمندی، فوت و همچنین افزایش هزینه‌های درمان و نگهداری خانواده (عائله‌مندی) به اعضای خود ارائه می‌دهد. (القضاة، ۲۰۰۷م: ۱۲۲-۱۲۳)

از طرفی سازمان بین‌المللی کار (ILO)^۱ و اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی (ISSA)^۲ صلح پایدار را منوط به عدالت اجتماعی و عدالت اجتماعی را منوط به تأمین اجتماعی دانسته است. (ر.ک: پناهی، ۱۳۷۶: ۷۲) با این مقدمه و از آن‌جا که بنا بر روایات فراوان، دولت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دولتی عدالت‌گستر معرفی شده است، این پرسش مطرح است که تأمین اجتماعی، در دولت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای چه مفهومی است؟ آیا در آن دولت کریمه، تأمین اجتماعی، تنها به مفهوم رایج آن که محدود به تأمین معیشت مادی و اقتصادی افراد جامعه است خلاصه می‌شود و یا این‌که دارای مفهومی متفاوت و گسترده‌تر است؟ اهمیت این پژوهش در این نکته است که از آن‌جا که در دوران غیبت و انتظار، وظایف منتظران باید همسو با دوران ظهور تعریف شود، نتایج این پژوهش در راستای فهم صحیح از مقوله تأمین اجتماعی

1. International Labour Organization
2. International Social security Association

کارایی خواهد داشت و می‌توان با رویکردی جدید به تأمین اجتماعی نگریست و آن را به تأمین معیشت مادی محدود ندانست. از آن‌جا که در هر صورت، هدف غایی تأمین اجتماعی - حتی در مفهوم رایج - تأمین امنیت و در نهایت آرامش انسان اجتماعی است و به نظر می‌رسد این هدف، ارتباطی تنگاتنگ با حیات طیبه انسان دارد، به مفهوم‌شناسی تأمین اجتماعی در دولت منجی موعود عَلَيْهِ السَّلَام با تأکید بر مفهوم قرآنی حیات طیبه پرداخته می‌شود. ضرورت این پژوهش در آن است که برخی از متخصصان حوزه تأمین اجتماعی، مفهوم وسیع و گسترده‌ای برای تأمین اجتماعی قائل شده و هدف نهایی تأمین اجتماعی را فراهم کردن زمینه رشد فضائل اخلاقی و تکامل معنوی برای تمام جامعه دانسته‌اند؛ (حسینی، ۱۳۹۴: ۱۷۷؛ آراسته‌خو، ۱۳۹۱: ۳) ولی متأسفانه هیچ‌گاه به تأمین اجتماعی با این رویکرد و به گونه‌ای مبنایی و نظام‌مند پرداخته نشده است و این پژوهش گامی در راستای این هدف است.

رویکرد قرآنی به تأمین اجتماعی

بی‌تردید کیفیت زندگی انسان، تنها کیفیت‌های مادی و معیشتی نیست و شامل اندیشه‌ها، باورها، کردارها و رفتارهای او نیز هست که در مجموع سبک زندگی او را شکل می‌دهد. (کافی، ۱۳۹۷: ۱۲-۱۳) در قرآن کریم، به کیفیتی از زندگی اشاره شده، که دارای دو ویژگی اساسی است؛ نخست این که محصول ایمان و عمل صالح است و دیگر این که به عنوان زنده شدن و زندگی جدید معرفی شده است:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (نحل: ۹۷)؛

هرکس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی طیبه زنده می‌داریم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.

در این آیه، حیات طیبه، محصول عمل صالح مؤمنانه معرفی شده است. به نظر می‌رسد از آن‌جا که ایمان دارای درجات و عمل صالح نیز دارای مصادیق فراوانی است، فهم حیات طیبه، می‌تواند در ارتباط با فهم قرآنی تأمین اجتماعی باشد؛ زیرا اگر تأمین نیازهای انسان در بستر اجتماع را مفهومی مطلق برای تأمین اجتماعی فرض کنیم؛ در این صورت، گستره ایمان و عمل صالح، می‌تواند تأمین‌کننده بسیاری از اهداف تأمین اجتماعی اعم از اهداف مادی و معنوی باشد. بر این اساس و با هدف فهم قرآنی تأمین اجتماعی و اهداف آن، به مفهوم‌شناسی حیات طیبه پرداخته می‌شود.

مفهوم‌شناسی حیات طیبه

نخستین گام در مفهوم‌شناسی حیات طیبه، بررسی لغوی و معناشناسی واژگان این اصطلاح و پس از آن، بررسی کاربردهای قرآنی آن است که به آن پرداخته می‌شود.

واژه «حیات»

حیات از ریشه (ح ی و) به معنای زندگی و در برابر موت به معنای مرگ؛ و حی، به معنای زنده و در برابر میت به معنای مرده است؛ از این رو هر موجود زنده و صاحب روحی را حیوان می‌گویند. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ج ۳، ۳۱۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۱۲۲؛ راغب، ۱۴۱۲ق: ۲۶۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۴، ۲۱۱) و بدین جهت به باران «حیا» گفته می‌شود که باعث زنده شدن زمین می‌گردد. (زمخشری، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ۶۷) واژه حیات و مشتقات آن، ۷۶ بار (ر.ک: عبدالباقی، ۱۴۲۸ق) در قرآن کریم و به مناسبت‌های گوناگون که همگی در ارتباط با معنای لغوی آن است، به کار رفته است. برخی کاربردها، منطبق با مفهوم لغوی و به معنای زندگی در برابر مرگ (انعام: ۱۶۲) و زنده در برابر مرده است (مریم: ۳۱؛ مرسلات: ۲۶). همچنین واژه «حی» در پنج مورد به خداوند نسبت داده شده (بقره: ۲۵۵؛ آل عمران: ۲؛ طه: ۱۱۱؛ فرقان: ۲۸؛ غافر: ۵۶) که مفاد آن زنده بودن مطلق خداوند و منشأ زنده بودن تمامی زندگان و زندگی آنان است؛ (طباطبایی، ۱۳۹۳ق: ج ۱۷، ۳۴۶) لکن آنچه بیش از کاربرد حیات در مفهوم لغوی آن در قرآن کریم مطرح است، به کارگیری این واژه در مفاهیم عمیقی است که حقایق را ورای مفهوم لغوی آن روشن ساخته است. مفاهیمی مانند حیات اخروی - در مقابل حیات دنیوی - که از آن به «حیوان» (عنکبوت: ۶۴) به معنای حیات حقیقی، جاویدان و کمال واقعی محصول ایمان و عمل صالح (طباطبایی، ۱۳۹۳ق: ج ۱۶، ۱۴۹-۱۵۰) و نیز «دارالقرار» و سرای آرامش و ثبات انسان (غافر: ۳۹) یاد شده است. قرآن کریم، نه زنده بودن انسان را به گرمی بدن او می‌داند و نه زندگی او را محدود به معیشت این جهان؛ بلکه در آیات متعدد، زنده بودن انسان را به زنده بودن دل و اندیشه و زندگی حقیقی را زندگی بر محور مکارم اخلاق و معنویات معرفی نموده است؛ برای نمونه در آیه ۱۲۲ سوره انعام، حیات حقیقی، در بهره‌گیری از هدایت‌های الهی و نورانی شدن دل و جان انسان تبیین شده است:

﴿أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَخْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَتَلَّهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا...﴾

این آیه، روشن‌کننده این حقیقت است که انسان، تا زمانی که محروم از نور هدایت الهی،

ایمان، علم و حکمت باشد، (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۴، ۵۵۶) همچون مرده‌ای است که از نعمت حیات محروم است. (طباطبایی، ۱۳۹۳: ج ۷، ۳۳۷) همچنین در آیه ۷۰ سوره یس، قرآن کریم، بیم‌دهنده برای کسانی معرفی شده است که زنده هستند:

﴿لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾.

روشن است که این زنده بودن به معنای زندگی نباتی و حیوانی نیست؛ بلکه زنده بودن گوش دل و جان و اندیشه (انعام: ۳۶؛ نمل: ۸۰؛ روم: ۵۲) و در اثر آن پیروی از حق و حقیقت است. در این آیه، ایمان به عنوان حیات و مؤمنان به عنوان زندگان و کافران به عنوان مردگان تلقی شده‌اند؛ (طباطبایی، ۱۳۹۳: ج ۷، ۱۷، ۱۰۹) مردگانی که نیروی فکر و اندیشه دارند؛ ولی در عین حال از آن بهره نمی‌گیرند. چشم‌های روشن و حقیقت بین دارند؛ ولی با آن چهره حقایق را نمی‌نگرند و همچون نابینایان از کنار آن می‌گذرند؛ و با داشتن گوش سالم، سخنان حق را نمی‌شنوند و خود را از شنیدن سخن حق محروم می‌سازند و درگمراهی، همچون چهارپایان، بلکه گمراه‌تر از آنان هستند:

﴿...لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَهُمْ أَذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾ (اعراف: ۱۷۹).

واژه «طیب»

طیب از ریشه (ط ی ب)، به معنای پاک و پاکیزه و ضد خبیث به معنای ناپاک است (جوهری، ۱۴۱۰: ج ۱، ۱۷۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳، ۴۳۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱، ۵۶۳) و اصل آن از نظر معنا، هرچیزی است که انسان از آن احساس خوشی، لذت و آرامش می‌کند و برای او دلپذیر و خوشایند است (راغب، ۱۴۱۲: ج ۵۲۷) از این رو به خوردن و نکاح و یا خواب و نکاح، «الاطیبان» می‌گویند؛ زیرا برای انسان خوشایند است. (زیبیدی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۱۹۰) واژه طیب و مشتقات آن در گستره معارف قرآن کریم، در تبیین ساحت‌های گوناگون زندگی دنیوی و اخروی انسان، به کار رفته است. سیرت نیکو و ذات پاک و پسندیده (آل عمران: ۱۷۹؛ مائده: ۱۰۰؛ انفال: ۳۷)، مال پاک (بقره: ۲۶۲؛ نساء: ۲)، رزق و غذای حلال و پاکیزه (بقره: ۱۶۸؛ مائده: ۴؛ انفال: ۶۹) مطلق پاکی‌ها (اعراف: ۱۵۷) کلام و سخن پسندیده و هدایتگر (حج: ۲۴؛ فاطر: ۱۰؛ ابراهیم: ۲۴) و ذریه و نسل پاک و مؤمن (آل عمران: ۳۸) از جمله کاربردهای ترکیبی واژه طیب در قرآن کریم است. آنچه از مجموع مفاهیم طیب در کاربردهای گوناگون قرآنی به دست می‌آید، ارتباط محصول امور طیب و پاک با ایمان، تقوا، مکارم اخلاق و عمل صالح

(انفال: ۶۹؛ یونس: ۹۳؛ مؤمنون: ۵۱) و در مقابل، ارتباط امور خبیثه و ناپاک با کفر، شرک، ردائیل اخلاقی و عمل غیرصالح است؛ (اعراف: ۵۸؛ انفال: ۳۷؛ ابراهیم: ۲۶)؛ بر همین اساس، حیات طیبه، محصول ایمان و عمل صالح معرفی شده و در مقابل و به مفهوم مخالف، حیات خبیثه محصول کفر و عمل غیرصالح است. (ابراهیم: ۲۴-۲۶)

مصادیق گوناگون حیات طیبه

مفسران در بیان معنا و مفهوم حیات طیبه، مصادیقی ذکر کرده‌اند؛ از جمله: رزق حلال، قناعت و رضایت به آنچه خداوند قسمت کرده است، عبادت خداوند همراه با خوردن غذای حلال، زندگی بهشتی، رزق هرروزه و زندگی برزخی (طوسی، ۱۴۰۵ق: ج ۶، ۴۲۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۶، ۵۹۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۲، ۲۶۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۳ق: ج ۱۲، ۳۴۳؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ج ۱۱، ۳۹۴). به نظر می‌رسد ذکر مصادیق هم‌جهت و هم‌سواز ماهیت حیات طیبه، نشان‌دهنده مفهوم وسیع آن است؛ یعنی زندگی پاکیزه از هرگونه آلودگی، ظلم، خیانت، دشمنی، اسارت، ذلت و نگرانی و هر آنچه که آب زلال زندگی را درکام انسان ناگوار می‌سازد. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ج ۱۱، ۳۹۴).

ساحت هر دو جهانی حیات طیبه

برخی مفسران، حیات طیبه را، تنها حیات اخروی و بهشتی دانسته‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۲، ۲۶۸؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق: ج ۴، ۵۵۱) اما این معنا ناتمام به نظر می‌رسد. با نگاهی جامع به آیات قرآن کریم، و باتوجه به دو رکن اصلی حیات طیبه (ایمان و عمل صالح)، می‌توان مطمئن شد که آغاز حیات طیبه انسان در همین دنیا است. آیاتی مانند: «نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ» (فصلت: ۳۱)؛ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ. لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ...» (یونس: ۶۲-۶۴)؛ «يَتَّبِعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ» (ابراهیم: ۲۷). در تمامی این آیات، آثار ایمان، عمل صالح و تقوا، هردو جهانی معرفی شده است که خود تقویت‌کننده این نظر است که حیات طیبه نیز این‌چنین است. از طرفی، آیه کریمه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...» (انفال: ۲۴) روشن‌کننده این معناست که آغاز حیات طیبه‌ای که نتیجه اجابت دعوت خدا و رسول است، در همین دنیا است و زنده شدن انسان به واسطه حیات پاکی که خود، نتیجه ایمان و عمل صالح است، آثار خود را پیش از آخرت در همین دنیا بر امنیت، آرامش و سعادت انسان نشان خواهد داد. (مغربی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۲۰۱)؛

مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۷، ۲۶۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۳: ج ۱۸، ۱۶۹؛ ابن عاشور، ۱۹۸۴: م: ۱۴، ۲۷۳؛ حسن ایوب، ۲۰۰۶: م: ۱۹). بنابر روایات اهل بیت (علیهم السلام) (شریف رضی، ۱۴۱۴: ق: ۵۰۹؛ طوسی، ۱۴۱۴: ق: ۲۵۷، ح ۵۲۴) حیات طیبه به قناعت و قنوع تفسیر شده است که علاوه بر این که می تواند در معنای وسیع خود، جامع معانی ذکر شده برای حیات طیبه باشد، تأییدکننده این نظر است که آغاز این زندگانی، در همین دنیاست. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نیز، ثواب قرائت سوره مزمل در نماز عشاء یا در آخر شب، زنده شدن به حیات طیبه و مردن به مرگی طیب معرفی شده (صدوق، ۱۴۰۶: ق: ۱۲۰) که مؤید ساحت هر دو جهانی حیات طیبه است.

زندگی برتر، همراه با کرامت، امنیت و آرامش

به نظر می رسد، پرسش کلیدی در رابطه با مفهوم حیات طیبه، کیفیت این حیات و زندگی است. حیات طیبه چگونه حیاتی است که پاداش انسان مؤمنی که عمل صالح انجام می دهد است؟ آیا چنین انسانی هنوز مرده است که به حیاتی دیگر زنده شود؟ پاسخ این پرسش در صفت این حیات، یعنی «طیبه» است؛ یعنی حیاتی پاک، پاکیزه، آرام و دلپذیر. هرچند انسان مؤمنی که عمل صالح انجام می دهد در مرتبه ای از حیات معنوی قرار دارد؛ لکن هرچه بهتر و بیشتر به این حیات ادامه دهد به مرتبه ای از حیات دست خواهد یافت که می توان آن را زندگی برتر نامید. مرتبه ای عالی از حیات که گویا روحی جدید در انسان دمیده می شود و تا پیش از آن وجود نداشته است و برتر از حیات عمومی انسان است. (طباطبایی، ۱۳۹۳: ج ۱۲، ۳۴۱-۳۴۲) زندگی که بنابر دعای امام زین العابدین (علیه السلام)، همراه با شادی مدام، کرامت گسترده و عیش تمام است:

وَأَصْلِحْ جَمِيعَ أحوَالِي وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَطْلَتِ عُمْرِي وَحَسَنَتِ عَمَلِي وَآتَمَّتْ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ وَرَضِيَتْ عَنْهُ وَأَحْيَيْتَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً فِي أَدْوَمِ السُّرُورِ وَأَسْبَغَ الْكِرَامَةَ وَأَتَمَّ الْعَيْشَ؛
تمامی احوال مرا اصلاح کن و مرا از کسانی قرار ده که عمر او را طولانی و عمل او را نیکو و نعمتت را بر او تمام کرده و از او خشنود شده و او را به حیاتی پاک زنده نموده ای؛
حیاتی در بادوام ترین شادی و افزون ترین کرامت و تمام ترین معیشت. (طوسی، ۱۴۱۱: ق: ۲، ۵۹۴)

بر پایه این فراز، کسی دارای حیات طیبه است که امور زندگی او براساس اراده و حکمت خداوند تنظیم شده است و عمر طولانی خود را در راه خشنودی و رضای خدا صرف می نماید و شکر نعمت را با عبادت و بندگی او به جا می آورد. در این صورت، چنین شخصی دارای حیات طیبه است و هرچند در طول زندگی با مصائب، کمبودهای مادی و معیشتی و بیماری مواجه

شود، باز احساس آرامش، شادی و کرامت می‌نماید و آن را با روحیه صبر، شکر، قناعت و رضا، معیشتی تمام می‌داند و البته که خداوند نیز پاداش او را به بهترین اعمالی که انجام می‌دهد، خواهد داد ﴿...وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾:

بعد از اتمام نعمت و رضوان حق، حیات طیبه با سه خصوصیت آمده است: سرور دائم، کرامت فراگیر و عیش تمام... کسی که آموخته، همراه عطاء و بلاء، بهره‌مند باشد، همیشه در حال سرور و ابتهاج است... همراه این سرور دائم و کرامت در تمامی حالات، عیش تمام و زندگی سرشار سر می‌گیرد... (صفایی حائری، ۱۳۸۸: ۱۲۴)

در روایتی از امام رضا علیه السلام، بهترین و بدترین معاش، با نگاهی متفاوت بیان شده است:

أَحْسَنُ النَّاسِ مَعَاشًا... مَنْ حَسَنَ مَعَاشَ غَيْرِهِ فِي مَعَاشِهِ... أَسْوَأُ النَّاسِ مَعَاشًا... مَنْ لَمْ يَعْشَ غَيْرَهُ فِي مَعَاشِهِ... أَحْسِنُوا جَوَارِ النَّعِيمِ فَإِنَّهَا وَخَشِيَةٌ مَا نَأَتْ عَنْ قَوْمٍ فَعَادَتْ إِلَيْهِمْ... إِنَّ سَرَّ النَّاسِ مَنْ مَنَعَ رَفْدَهُ وَ أَكَلَ وَحْدَهُ وَ جَلَدَ عَبْدَهُ:

بهترین مردم از نظر معاش، کسی است که با معاش خود، معاش دیگری را نیز تأمین کند و بدترین مردم از نظر معاش، کسی است که همراه با معاش خود، معاش دیگری را تأمین نکند؛ همسایه خوبی برای نعمت‌ها باشید؛ زیرا که نعمت‌ها وحشی و گریزان هستند و اگر دور شدند به سختی باز خواهند گشت. بدترین مردم کسی است که از بخشش و عطا دریغ ورزد و تنها بخورد و بنده خود را تازیانه بزند. (حرانی، ۱۴۰۴: ۴۴۸)

با این بیان، تفسیر حیات طیبه به قناعت در روایات امیرمومنان علیه السلام (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ۵۰۹) بهتر درک می‌شود؛ زیرا بنابر روایات، نتیجه قناعت و خشنودی به مقدرات الهی، عزت‌مندی (بالقناعة یکون العز) (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۲۹۹) و رهایی از اندوه و پریشانی است (من قنع لم یغتم) (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۵۷۹). بنابر روایتی از امیرمومنان علیه السلام، کسی از نظر معیشت و زندگی مرفه‌تر است که خداوند به او قناعت بخشیده باشد:

أَنْعَمَ النَّاسُ عَيْشًا مَنْ مَنَحَهُ اللَّهُ الْقَنَاعَةَ... (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۵۷۹)

بر پایه این روایت، معیشت برخوردار، معیشتی نیست که در آن هیچ‌گونه کاستی مادی و فقر، تنگدستی و بیماری نباشد؛ بلکه معیشت برخوردار، معیشت همراه با قناعت و خرسندی است. معیشتی همراه با نفسی که به مقام رضایت رسیده و سختی و آسانی زندگی را پذیرفته است. از این رو امیرمومنان علیه السلام، نشانه رضایت خداوند از بنده را، رضایت بنده، از قضای الهی معرفی کرده است؛ هرچند این قضا، در ظاهر، علیه او باشد و ناخوشایند جلوه کند:

عَلَامَةُ رِضَا اللَّهِ سُبْحَانَهُ عَنِ الْعَبْدِ رِضَاهُ بِمَا قَصَى بِهِ سُبْحَانَهُ لَهُ وَعَلَيْهِ. (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۴۶۷)

همچنین، گواراترین معیشت را، معیشت کسی می‌داند که به آنچه خداوند، قسمت او کرده است راضی باشد:

إِن أهنأ النَّاسِ عِيشاً مَنْ كَانَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ رَاضِياً. (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۲۲۰)

بدین جهت، حضرت حسین بن علی علیه السلام، در آخرین لحظات قبل از شهادت، پس از همه مصائب و دانستن مصائبی که پس از شهادت، بر خاندان او وارد می‌شود، در مناجات خود با خداوند چنین عرض می‌کند: «صبراً علی قضائک یا رب...»؛ و این مقام صبر و رضا، باعث شد تا بنا بر نقل شاهدان در روز عاشورا، در استوارترین حالات باشد:

فَوَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ مَكْتُوراً (مکسوراً) قَطُّ قَدْ قَتِلَ وُلْدُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ وَ أَصْحَابُهُ أَرْبَطَ جَأشاً وَ لَا أَمْضَى جَنَاناً مِنْهُ؛

به خدا قسم شکسته دلی از کثرت مصیبت و اندوه که فرزندان و اهل بیت و یارانش کشته شدند را محکم‌تر و استوارتر از حسین ندیدم. (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۱۱۱)

در فرازی از زیارت شریف امین‌الله نیز به این عیش تمام و خرسندی نفس اشاره شده است:

اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُظْمِنَةً بِقَدْرِكَ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَ دُعَائِكَ مُحِبَّةً لِبَصْفَةِ أَوْلِيَائِكَ مُحَبُّوبَةً فِي أَرْضِكَ وَ سَمَائِكَ صَابِرَةً عَلَى نَزُولِ بَلَائِكَ شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ ذَاكِرَةً لِسَوَائِحِ آثَائِكَ. (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۴۰)

در این فراز نورانی، نخست، اطمینان و آرامش نسبت به قدر و رضایت و خشنودی نسبت به قضای الهی و در ادامه، سایر درجات نفسانی، از جمله صبر و شکیبایی در برابر نزول بلا و شکر و ذکر در برابر نعمت‌ها و تفضلات الهی درخواست شده است. نتیجه این اطمینان و خرسندی نفس، ثبات و قرار روح انسان است. از این رو، قرآن کریم، پاک و طیب را دارای ثبات و قرار و ناپاک و خبیث را بی‌قرار و متزلزل معرفی کرده است:

﴿الْمُتَرَكِّيفُ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾ (ابراهیم: ۲۴).

﴿وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ﴾ (ابراهیم: ۲۶).

در این دو آیه، کلمه طیبه به شجره طیبه و کلمه خبیثه به شجره خبیثه تشبیه شده است. در تفسیر کلمه طیبه مصادیقی همچون کلمه توحید (لا اله الا الله)، ایمان، قرآن، کلمه حسنه و نیز تمامی اوامر الهی ذکر شده است؛ (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۶، ۴۸۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۳ق: ج ۱۲،

(۵۱)؛ لکن با توجه به آیه ۲۷ سوره ابراهیم، که در آن به تثبیت الهی اهل ایمان در دنیا و آخرت، توسط «قول ثابت» اشاره شده است: «يَثْبُتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ...»؛ تفسیر کلمه طیبه با قول ثابت، در ارتباط خواهد بود و می‌توان نتیجه گرفت که کلمه طیبه هر سخن حقی است که در آن هیچ تغییر و تزلزلی راه ندارد و همیشه ثابت و برقرار است. (طباطبایی، ۱۳۹۳ق: ج ۱۲، ۵۱-۵۲) در حیات طیبه نیز، تزلزل و تغییری راه ندارد و حتی مرگ نیز ادامه آن خواهد بود؛ بنابراین می‌توان گفت حیات طیبه، حیات حقیقی انسان است؛ حیاتی که سایر طبیبات از جمله مال و رزق پاک و حلال (بقره: ۱۷۲)، سخن و کلام طیب (حج: ۲۴؛ فاطر: ۱۰) و ذریه و نسل پاک (آل عمران: ۳۸) از ثمرات آن است. حیاتی که انسان را به عیش مستقر، باثبات و بادوام و در نتیجه آرامشی دلپذیر می‌رساند. عیشی که از آن به «قار» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۴۴) و «قریر» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ج ۲، ۸۰۳) تعبیر شده است:

فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَأَنْ تَجْعَلَ رِزْقِي بِهِمْ دَارًا وَعَيْشِي بِهِمْ قَارًا وَ زِيَارَتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً وَحَيَاتِي بِهِمْ طَيِّبَةً وَأَدْرَجَنِي إِدْرَاجَ الْمُكْرَمِينَ؛
 خدای من! از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان پاک او درود بفرستی و به واسطه آنان، رزق مرا پی‌درپی و مدام و عیش مرا باقرار و زیارت مرا مقبول و زندگی مرا طیب و مرا در درجات کرامت شدگان قرار دهی. (مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۲۴)

بدون شک، پایانی برای چنین حیاتی وجود ندارد و مرگ، آغاز دریافت تمام و کمال آن است؛ از این رو مرگ انسانی که در این دنیا، حیات طیبه داشته، انتقالی طیب خواهد بود. انتقالی در کمال آرامش و سرور:

«الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (نحل: ۳۲).

نکته قابل ملاحظه این‌که، همان‌گونه که در آیه حیات طیبه، به مرد مؤمن صالح و زن مؤمنه صالحه، وعده حیات طیبه داده شده است، در آخرت نیز به آنها وعده‌ای مناسب با آن یعنی سکونت‌گاه‌های طیب داده شده است:

«وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه: ۷۲).

در نتیجه، حیات طیبه، زندگی است که دلپذیرتر و خوشایندتر از آن وجود ندارد و آن، رضوان و خشنودی خداوند از انسان است. مقام قناعت، خرسندی و خشنودی انسان نسبت به خداوند، نتیجه‌ای جز رضوان و خشنودی خداوند نسبت به انسان نخواهد داشت. با این

بیان، مفهوم «نفس مطمئنه» نیز بهتر قابل درک است؛ نفسی که راضیه و مرضیه است؛ یعنی هم از خدای خود خشنود است و هم مورد خشنودی خدای خود است. نفسی که به حیات طیبه زنده است و هیچ مرگی نخواهد داشت و مردن ظاهری نیز رجوع و بازگشتی خوشگوار به سوی مبدأ پیدایش آن است و نتیجه‌ای جز قرب الهی و داخل شدن در جرگه بندگان خاص و بهشتی ویژه نخواهد داشت:

﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * اذْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَ ادْخُلِي جَنَّتِي﴾ (فجر: ۲۷-۳۰).

چکیده مفهوم‌شناسی حیات طیبه

بنابر آنچه گذشت، می‌توان چکیده مفهوم قرآنی حیات طیبه را چنین ارائه کرد:

(الف) حیات طیبه، محصول مراتب ایمان و مصادیق گسترده عمل صالح است؛

(ب) در رسیدن به حیات طیبه، هیچ تمایزی بین افراد جامعه از لحاظ جنسیت وجود ندارد؛

(ج) حیات طیبه حیاتی دائم و آغاز آن از زندگی دنیوی است و مرگ نه تنها هیچ مزاحمتی با آن ندارد که جزء تکمیل‌کننده آن است؛

(د) حیات طیبه هدف غایی و زندگی برتر انسان است؛

(هـ) حیات طیبه، زندگی کرامت‌مدار، امنیت‌زا و آرامش‌بخش و در نتیجه زندگی شادمانه مستدام است؛

(و) حیات طیبه تأمین‌کننده تمامی نیازهای انسان است و در آن، تأمین زندگی مادی و معیشتی نه تنها مغفول نیست که از مهم‌ترین عناصر و مؤلفه‌های تشکیل آن است.

مفهوم تأمین اجتماعی در ارتباط با حیات طیبه

از آن جا که حیات طیبه، تأمین‌کننده زندگی باکرامت، امنیت و آرامش انسان است، می‌توان از مفهوم آن در جهت ارائه مفهومی قرآنی تأمین اجتماعی بهره برد؛ با این رویکرد که مفهوم تأمین اجتماعی، برآمده از مفهوم حیات طیبه و همسو با آن باشد. با این نگاه، تأمین اجتماعی، تنها محدود به تأمین معیشت مادی افراد جامعه نخواهد بود؛ بلکه هر آنچه که در راستای تأمین حیات طیبه و به تبع آن کرامت، امنیت و آرامش انسان است، در مفهوم قرآنی تأمین اجتماعی مورد توجه خواهد بود. از این رو، فراهم بودن بسترهای اجتماعی لازم برای تأمین عقاید حقه از جمله توحید و خداپرستی، ولایت و سرپرستی الهی، و آخرت باوری و نیز تأمین مکارم اخلاق، امنیت جان و مال و آبرو، معیشت و رفاه و در نهایت آرامش و سعادت

اخروی افراد جامعه، همگی برآمده از مفهوم قرآنی تأمین اجتماعی است؛ زیرا حیات طیبه نه محدود به آخرت است و نه محدود به معنویات. این نظرها، روایات فراوانی که در مذمت فقر و تنگدستی و نیز آسویی که به عناصر حیات طیبه یعنی ایمان و عمل صالح وارد می‌کند، تأیید می‌کند. در روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام خطاب به فرزندش امام حسن علیه السلام چنین آمده است:

لَا تَلْمُ إِنْسَانًا يَطْلُبُ قُوْتَهُ فَنَنْ عَدِمَ قُوْتَهُ كَثُرَ خَطَايَاهُ. يَا بَنِي! الْفَقِيرُ حَقِيرٌ لَا يَسْمَعُ كَلَامَهُ وَلَا يَعْرِفُ مَقَامَهُ وَلَا وَكَانَ الْفَقِيرُ صَادِقًا يَسْمُونَهُ كَاذِبًا وَلَا وَكَانَ زَاهِدًا يَسْمُونَهُ جَاهِلًا. يَا بَنِي! مَنْ ابْتُلِيَ بِالْفَقْرِ فَقَدْ ابْتُلِيَ بِأَرْبَعِ خِصَالٍ: بِالصَّعْفِ فِي يَقِينِهِ وَالتَّقْصَانِ فِي عَقْلِهِ وَ الرِّقَّةِ فِي دِينِهِ وَقِلَّةِ الْحَيَاءِ فِي وَجْهِهِ فَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنَ الْفَقْرِ؛

کسی که قوت خود را طلب می‌کند، ملامت مکن زیرا کسی که قوت خود را نیابد خطایش زیاد می‌شود. پسر! فقیر را حقیر می‌دانند؛ تا جایی که سخنش شنیده نمی‌شود و جایگاهش شناخته نمی‌شود. اگر فقیر راست بگوید او را دروغ‌گو می‌نامند و اگر زهد پیشه کند او را نادان می‌خوانند. پسر! کسی که مبتلا به فقر شود، به چهار ویژگی مبتلا می‌شود: ضعف در یقین، نقصان در عقل، سستی در دین و کمی حیا و آبرو. پس پناه می‌بریم به خدا از فقر. (شعیری، بی‌تا: ۱۱۰)

به همین جهت، امام زین العابدین علیه السلام در دعای شریف مکارم اخلاق، از خداوند توانگری و حفظ آبرو طلب می‌کند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ، وَلَا تَبْتَدِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ فَاسْتَرْزَقْ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَاسْتَعْطِي شِرَارَ خَلْقِكَ، فَأَقْتِنِ بِمِحْمَدٍ مَنْ أَعْطَانِي، وَابْتَلِي بِدَمِّ مَنْ مَنَعَنِي، وَ أَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِي الْإِعْظَاءِ وَالْمَنْعِ؛

خدای من! بر محمد و آل محمد درود فرست و با توانگری آبرویم را نگاه دار، و به تنگدستی خوارج مدار، تا چنان شود که از دیگر روزی خواران تو طلب روزی کنم، و از بدترین آفریدگانت مهربانی جویم، و به ستایش کسی که به من چیزی می‌بخشد دچار شوم، و به نکوهش آن کس که بخشش خود را از من دریغ داشته است گرفتار آیم؛ حال آن‌که تو صاحب اختیار بخشیدن و نبخشیدن. (امام علی بن حسین، ۱۳۷۶: ۱۰۰)

مفهوم قرآنی تأمین اجتماعی در رابطه با حیات طیبه، آن‌جا بهتر قابل درک خواهد بود که بدانیم راهکارهای اجرایی آن، دقیقاً عناصر سازنده حیات طیبه، یعنی ایمان و عمل صالح است؛ زیرا حتی تأمین معیشت مادی انسان و حفظ کرامت اجتماعی او از این جهت، به هیچ وجه با حوزه ایمان و عمل صالح بیگانه نیست. ایمان به خدای یگانه از یکسو و باور به معاد و نظام ثواب و عقاب از سوی دیگر، هم‌چنین گزاره‌های اخلاقی (حجرات: ۱۲) و رویکردهای

وجدانی و فطری انسان (قیامت: ۱۴-۱۵) همگی راهکارهای اجرایی تأمین اجتماعی در مفهوم قرآنی آن است. در مجموعه معارف قرآن کریم، از طرفی عمل صالح، به عنوان محور سنجش ایمان و از طرف دیگر، مسئولیت‌های اجتماعی، به عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق عمل صالح، مطرح شده است که ظرفیتی عظیم در راستای اجرای مفهوم قرآنی تأمین اجتماعی است. برای نمونه، در سوره‌ای کامل، به ارتباط انکار معاد و بی‌تفاوتی نسبت به یتیمان، مسکینان و نیازمندان اشاره شده است:

﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يَكْذِبُ بِالذِّينِ * فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ * وَلَا يُحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ * فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ * الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ * وَيَسْتَعْمُونَ الْمَاعُونَ﴾ (ماعون: ۱-۷).

همچنین در سوره حاقه، ارتباط عدم ایمان به خدای یگانه و بی‌مهری نسبت به مستمندان، بیان شده است:

﴿إِنَّهٗ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ * وَلَا يُحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ﴾ (حاقه: ۳۳-۳۴).

در سوره بلد نیز گذر از گردنه‌های سخت روز قیامت به رسیدگی به معیشت انسان‌های نیازمند و یتیمان وابسته شده است:

﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ * فَكُ رَقَبَةً * أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ * يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ * أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ﴾ (بلد: ۱۱-۱۶).

بنابر روایت، امام صادق علیه السلام در رابطه با این آیات چنین فرموده‌اند:

مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا حَتَّىٰ يَشْبِعَهُ، لَمْ يَدْرْ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ مَا لَهُ مِنَ الْأَجْرِ فِي الْآخِرَةِ، لَأَمْلَكَ مُقَرَّبًا، وَلَا نَبِيَّ مُرْسَلًا، إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ. ثُمَّ قَالَ: مِنْ مُوجِبَاتِ الْمَغْفِرَةِ إِطْعَامُ الْمُسْلِمِ السَّعْبَانَ. ثُمَّ تَلَا قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ؛

هرکس مؤمنی را طعام داده و سیر کند، هیچ کس، نه فرشته مقربی و نه نبی مرسلی، جز خدای رب العالمین، پاداش اخروی او را نمی‌داند. از موجبات مغفرت (الهی) اطعام مسلمان گرسنه است... (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۳، ۵۱۴)

همچنین در سوره معارج، یکی از نشانه‌های نمازگزاران راستین، رسیدگی مالی به مستمندان و محرومان جامعه معرفی شده است:

﴿إِلَّا الْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ * وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ * لِلْمَسْأَلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ (معارج: ۲۲-۲۵).

بنابراین، هدف غایی تأمین اجتماعی در مفهوم قرآنی، تأمین کرامت، امنیت و آرامش برآمده از حیات طیبه انسان اجتماعی است و از آن جا که حیات طیبه خود محصول ایمان و عمل صالح است، این دو عنصر، بازوهای اجرایی تأمین اجتماعی قرآنی خواهند بود. با این بیان، ایمان، با درجات، مراتب و حوزه‌های گوناگون آن و نیز عمل صالح با مصادیق متعدد آن، در راستای تأمین اجتماعی قرآنی، ورودی جدی خواهند داشت و این دیدگاهی است که مورد تأیید قرآن کریم است. برای نمونه در آیه ۱۷۷ سوره مبارکه بقره می‌فرماید:

﴿... وَلِكِنَّ الْيَتِيمَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُتُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾

... نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا، و روز رستاخیز، و فرشتگان، و کتاب (آسمانی)، و پیامبران، ایمان آورده و مال (خود) را، با همه علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می‌کند نماز را برپا می‌دارد و زکات را می‌پردازد و (هم‌چنین) کسانی که به عهد خود - به هنگامی که عهد بستند - وفا می‌کنند و در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند اینها کسانی هستند که راست می‌گویند و (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است) و اینانند پرهیزکاران.

در این آیه کریمه، بزو نیکوکاری و یا بازو نیکوکار (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱، ۴۷۶) سازنده بنای معنوی و مادی اجتماع انسانی معرفی گردیده است. بنابراین، قرآن کریم، هیچ‌گاه، تأمین نیازهای مادی و معنوی را جدای از هم ندانسته و تأمین اجتماعی ایمان و اعمال شایسته و مکارم اخلاق و در حقیقت حیات طیبه را ضرورتی قطعی برای دستیابی افراد اجتماع به کرامت (حجرات: ۱۳)، امنیت (انعام: ۸۱-۸۲) و آرامش (نحل: ۱۱۲؛ رعد: ۲۸) می‌داند.

تأمین اجتماعی در دولت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

بنابرایات و روایات موجود، دولت موعود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دولتی ناشناخته و مجهول نیست؛ بلکه دولتی است که ریشه در معارف بلند قرآن و سنت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام دارد. از این رو مفهوم تأمین اجتماعی در دولت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف با تعمق در آیات قرآن کریم و روایات و باتوجه به مفهوم حیات طیبه و عناصر سازنده آن قابل کشف است؛ از این رو در این بخش، به کشف ارتباط میان عناصر حیات طیبه و بنای دولت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته خواهد شد.

عناصر حیات طیبیه و تشکیل دولت مهدوی عَلَيْهِ السَّلَام وَرَحْمَةُ الرَّحْمٰنِ

پرسشی که مطرح است این است که حیات طیبیه در ارتباط با دولت مهدی آل محمد عَلَيْهِ السَّلَام دارای چه جایگاهی است؟ آیا دولت مهدوی عَلَيْهِ السَّلَام دولت حیات طیبیه و به تبع آن دولت تأمین اجتماعی در مفهوم قرآنی است؟ پاسخ به این پرسش در صورتی ممکن است که جایگاه حیات طیبیه در ارتباط با دولت عصر ظهور، روشن گردد. بدین جهت، به بررسی آیات برجسته در موضوع مهدویت و ارتباط آن با عناصر حیات طیبیه (ایمان و عمل صالح) پرداخته می شود.

عناصر حیات طیبیه در آیه استخلاف

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾؛ (نور: ۵۵)

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آئینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترس شان را به امنیت و آرامش مبدل می کند، آن چنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند.

بنابر روایات تأویلی امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام، امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷، ۲۳۹-۳۴۰) و امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۴۰، ح ۳۵) این آیه درباره مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام و یارانش نازل شده است. در این آیه، وعده قطعی خداوند به استخلاف بر زمین، به کسانی داده شده است که مومن اند و عمل صالح انجام می دهند. بر این اساس، حکومت جهانی مهدوی عَلَيْهِ السَّلَام حکومتی است که صاحبان آن دارای حیات طیبیه اند و روشن است که حرکت دولتمردان آن نیز در راستای حیات طیبیه است. از این رو، جامعه مهدوی، جامعه ای با حاکمان زنده به حیات طیبیه است و در این دولت است که افراد جامعه نیز به حیات طیبیه زنده خواهند شد:

...وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَأَحْيِ بِهِ عِبَادَكَ... (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۶۶۵)

جامعه ای که مصداق کامل و اتم آن تاکنون محقق نشده و تنها در دولت مهدوی عَلَيْهِ السَّلَام تشکیل خواهد شد:

وهذا المجتمع الطيب الطاهر على ما له من صفات الفضيلة والقداسة لم يتحقق ولم

ینعتقد منذ بعث النبي إلى يومنا هذا، وإن انطبق فلينطبق على زمن ظهور المهدي... (طباطبایی، ۱۳۹۳ق: ج ۱۵، ۱۵۵)

زنده شدن بندگان خدا در دوران ظهور، محصول عدالت گسترده دولت مهدوی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ است. عدالتی که زیربنای هر نظام اجتماعی از جمله تأمین اجتماعی است و شکست نظامات اجتماعی در جهان، ناشی از فقدان عملی آن است. طبق روایت، امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ در تفسیر آیه **﴿اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...﴾** (حدید: ۱۷) فرموده‌اند:

لَيْسَ يَحْيِيهَا بِالْقَطْرِ، وَلَكِنْ يَبْعَثُ اللَّهُ رَجَالًا، فَيَحْيُونَ الْعَدْلَ، فَتُحْيَا الْأَرْضُ لِأَحْيَاءِ الْعَدْلِ، وَلَا قَامَةُ الْحَدِيدِ فِيهِ أَنْفَعُ فِي الْأَرْضِ مِنَ الْقَطْرِ أَوْ بَعِينِ صَبَاحَا؛ (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۸، ۱۴)

نه این که زمین را با باران زنده می‌کند؛ بلکه خداوند مردانی را برمی‌انگیزد که عدالت را زنده می‌کنند، پس زمین به سبب زنده شدن عدل و داد، زنده می‌شود...

با توجه به روایات دیگر که آیه شریفه را به دوران ظهور تفسیر کرده است (حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ۲۴۳؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ۲۸۸-۲۸۹) مقصود از مردان در این روایت، مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ و یاران او هستند. نکته دیگری که در این روایت شریفه وجود دارد، اشاره امام به زنده شدن زمین بر اثر عدالت است که می‌توان دو گونه آن را تفسیر کرد؛ این که مراد از زمین، اهل زمین باشند که به عدالت و تأمین اجتماعی آن زنده می‌شوند؛ و تفسیری که با ظواهر الفاظ روایت مطابقت بیشتری دارد و آن این که عدالت مهدوی آن چنان کامل و شامل است که باعث احیاء محیط زیست و آبادی شهرها و نهایتاً احیاء زمین خواهد شد که این موضوع خود از حوزه‌های تأمین اجتماعی با رویکرد قرآنی است؛ زیرا محیط زیست به عنوان موهبتی الهی و آئینه ظهور جلال و جمال خداوند، نقشی غیرقابل انکار در ایمان و به تبع آن عمل صالح و حیات طیبه و در نتیجه، کرامت، امنیت و آرامش افراد جامعه دارد. از این رو، حفظ سلامت و بهداشت محیط زیست، اعم از هوا، آب، خاک، حیوان و گیاه، از حوزه‌های مفهوم قرآنی تأمین اجتماعی است و با این بیان، سازمان محیط زیست، نهادی واسطه‌ای در تأمین اجتماعی به مفهوم قرآنی آن است؛ زیرا تشکیل دهنده گوشه‌ای از حیات طیبه انسان است. بنابراین روایت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ زندگی بدون محیط زیستی پاک و سالم، اعم از هوای پاک، آب سالم و زمین حاصلخیز، گوارا و طیب نمی‌شود. (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۲۱) محیط زیست سالم، چنان دارای اهمیت است که بنابراین روایتی دیگر از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ سلامت و حاصلخیزی خاک در کنار امنیت و عدالت، به عنوان نیازهای قطعی انسان معرفی شده است. (همان) روشن است که بهداشت و سلامت خاک و حاصلخیزی آن، موجب تأمین غذای سالم و امنیت غذایی جامعه و به تبع آن

رفع فقر و تبعات خانمان سوز آن و آسیب جدی به عناصر حیات طیبه (ایمان و عمل صالح) و نتایج آن (کرامت، امنیت و آرامش) خواهد شد. (شعیری، بی تا: ۱۱۰)

افزون براین، نتیجه دولت و حکومت جهانی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الیه همسو با نتایج حیات طیبه است به گونه‌ای که ناامنی و ناآرامی و ترس، جای خود را به امنیت و آرامش می‌دهد:

«... وَلَيَبْدَلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...».

ناامنی و ترسی که در این آیه به آن اشاره شده است، ناامنی ناشی از خداگریزی و عبادت شیطان است؛ و در مقابل، امنیت و آرامش ذکر شده در آیه، امنیت و آرامش ناشی از خداپرستی و ایمان و عمل صالح و حیات طیبه است. به این جهت، در ادامه می‌فرماید:

«... يَغْبُدُونِي لَيْشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...».

عناصر حیات طیبه در آیه وراثت

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵)

در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

در این آیه شریفه نیز، وراثت زمین به بندگان صالح و شایسته خداوند وعده داده شده است. بنابراین روایت امام باقر علیه السلام، در این آیه، وارثان زمین که از آنان به «بندگان صالح من» یاد شده است، یاران مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الیه در آخر الزمان هستند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷، ۱۰۶؛ قمی، ۱۳۶۷: ج ۲، ۷۷) نکته ظریفی که در این آیه وجود دارد، اضافه شدن «عباد» به یای نسبت همراه با صفت «صالحون» است. اگر در این آیه، عبارت «العباد الصالحون» مطرح می‌شد، مصادیق آن نیز می‌توانست گسترده باشد؛ حال آن‌که عبارت «عبادی» همراه با صفت «الصالحون» ویژگی منحصر به فردی را برای وارثان زمین ایجاد کرده است. وارثان زمین چنان مؤمن‌اند که مفتخر به نشان «عبادی» و چنان اهل عمل صالح‌اند که موصوف به «الصالحون» شده‌اند. بنابراین، وارثان زمین بدون شک دارای حیات طیبه‌اند و حکومت و دولت آنان، دولت حیات طیبه و در راستای زنده کردن اجتماع به حیات طیبه خواهد بود. با این بیان، مفهوم تأمین اجتماعی در دولت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الیه، همان مفهوم برآمده از حیات طیبه است. تأمینی که در راستای ایمان و عمل صالح و با هدف رسیدن جامعه به کرامت، امنیت و آرامش مادی و معنوی و دنیوی و اخروی است.

عناصر حیات طیبه در آیه تمکین

﴿الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ (حج: ۴۱)

کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست.

در روایت امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه می‌خوانیم:

هَذِهِ آيَةُ لآلِ مُحَمَّدٍ وَ الْمُهْدِيِّ وَ أَصْحَابِهِ، يَمْلِكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ يَظْهَرُ الدِّينَ - وَ يَمِيتُ اللَّهُ بِهِ وَ أَصْحَابِهِ الْبِدْعَ الْبَاطِلَ - كَمَا أَمَاتَ السَّمْعَ الْحَقُّ حَتَّى لَا يَرَى أَثَرَ لِلظُّلْمِ؛ (قی، ۱۳۶۷: ج ۲، ۸۷)

این آیه اختصاص به آل محمد و مهدی و یاران او دارد که خداوند سراسر زمین را به آنان واگذار می‌کند و دین به واسطه او و یارانش ظاهر و بدعت‌های باطل را می‌میراند همان‌گونه که سفاقت، حق را میرانده بود؛ تا جایی که اثری از ظلم و ستم دیده نمی‌شود.

روشن است که اقامه نماز (پیوند با خالق)، پرداخت زکات (پیوند با خلق)، امر به معروف و نهی از منکر (پایه‌های بنای عظیم جامعه الهی)، ارکان اصلی ایمان و عمل صالح و سازنده حیات طیبه است و ذکر این چهار مورد از باب ذکر مهم‌ترین ارکان دولت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و نقش بی‌بدیل آن در اقامه ایمان و عمل صالح و دسترسی جامعه به حیات طیبه آن چنان است که قرآن کریم بهترین امت‌ها را امتی معرفی کرده است که در درجه اول امر به معروف و ناهی از منکر باشد:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَتُومِنُونَ بِاللَّهِ...﴾ (آل عمران: ۱۱۰)

در سایه امر به معروف و نهی از منکر، نه تنها ایمان و عقیده، بلکه بنا بر روایت امیرمومنان علیه السلام، معیشت مادی و دنیوی افراد جامعه نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان حیات طیبه است، سامان می‌یابد:

... أَنَّهَا إِذَا أُدِيَتْ وَ أُقِيمَتِ اسْتَقَامَتِ الْفَرَائِضُ كُلُّهَا هَيْئَهَا وَ صَعِبَهَا وَ ذَلِكَ أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ دُعَاءٌ إِلَى الْإِسْلَامِ مَعَ رَدِّ الْمَظَالِمِ وَ مَخَالَفَةِ الظَّالِمِ وَ قِسْمَةِ الْفَقْرِ وَ الْعَنَائِمِ وَ أَخْذِ الصَّدَقَاتِ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَ وَضْعِهَا فِي حَقِّهَا... (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۳۷)

عناصر حیات طیبہ در آیات اظہار دین حق

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؛

(توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۹)

او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هرچند مشرکان کراهت داشته باشند.

مفسران اسلامی در شرح و تفسیر این آیات، به مباحث مهدویت نیز پرداخته و مفاد این آیات را یا به نحو تعیین و یا به نحو احتمال موجه بر دوران ظهور و دولت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف تطبیق کرده و تحقق این اراده در دوران ظهور را بی هیچ تردیدی پذیرفته‌اند. (نजारادگان، ۱۳۸۹: ۴۳-۸۲) در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز اجراکننده کامل دین حق، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف معرفی شده است. در روایتی از امام حسین علیه السلام چنین نقل شده است:

مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمُ النَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يَحْيَى اللَّهُ بِهِ الْأَرْضُ بَعْدَ مَوْتِهَا وَيُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَهُ غَيْبَةٌ يَزِيدُ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيَثْبُتُ فِيهَا عَلَى الدِّينِ آخِرُونَ فَيُؤَدُّونَ وَيَقَالُ لَهُمْ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ أَمَا إِنَّ الصَّابِرِينَ غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَالتَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ؛ (صدوق، ۱۴۲۲ق: ج: ۱، ۳۵۰، ح: ۳)

از ما دوازده مهدی است که نخستین آنها امیرمؤمنان و آخرین آنها نهمین نفر از فرزندان من است که امام قائم به حق است که خداوند زمین را پس از مرگ به واسطه او زنده می‌کند و دین حق را بر تمام ادیان چیره می‌سازد، هرچند مشرکان اکراه داشته باشند....

این روایت تفسیری، به طور صریح، تحقق کامل دین حق، توسط امام و پیشوای حق (القائم بالحق) را بیان نموده؛ و به زنده شدن زمین پس از مرگ، توسط مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف در دوران ظهور اشاره کرده است. روشن است که این زنده شدن و احیاء، از سنخ همان حیات طیبه است و از همین روست که در فرازی از زیارت آن حضرت، از ایشان با عنوان چشمه زندگی یاد شده است:

... السلام عليك يا عين الحيات... انتظر ظهورك و ظهورالحق على يدك... (قمی،

۱۳۸۷: ۱۰۸)

در روایتی از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...﴾ (حدید:

۱۷) چنین نقل شده است:



العدْلُ بَعْدَ الْجَوْرِ؛ (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۱۵، ۶۰۵)

زمین پس از ستم، به عدالت زنده می شود.

اراده خداوند بر تحقق حتمی عدالت در دولت مهدوی، باعث تأیید تکوینی آن دولت خواهد شد. اگر در دوران دیگر امامان علیهم السلام، این اراده، اراده ای تنها تشریحی بوده است، در دولت مهدوی و دوران ظهور، اراده تکوینی خداوند نیز به یاری امام علیهم السلام خواهد آمد؛ لذا ظهور و بروز و تحقق کامل نظام عدالت محور تأمین اجتماعی در دوران ظهور، قطعی و مسلم است. در روایتی از امیرمومنان علیهم السلام، تأیید دولت مهدوی به اموری از جانب خداوند، که تحقق اراده خداوند را قطعی می کند تصریح شده است:

... حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رِجَالًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ ... يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِمَلَائِكَتِهِ وَيَعْصِمُ أَنْصَارَهُ وَيَنْصُرُهُ بِآيَاتِهِ وَيُظْهِرُهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ حَتَّى يَبْدِينُوا طَوْعًا وَكَرْهًا يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا وَنُورًا وَ يُرْهَانًا يَبْدِينُ لَهُ عَرَضَ الْبِلَادِ وَ طَوْهَهَا لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ بِهِ وَ لَا ظَالِمٌ إِلَّا صَلَحَ وَ تَصْطَلِحُ فِي مُلْكِهِ السِّبَاعُ وَ تُخْرَجُ الْأَرْضُ نَبْتَهَا وَ تُنْزَلُ السَّمَاءُ بَرَكَتَهَا وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ... (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۲۹۱)

در روایتی دیگر از امیرمومنان علیهم السلام، به تأیید مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف توسط سپاهیان که دیده نمی شوند، تأکید شده است. (همان: ج ۱، ۲۵۷) همچنین در روایتی از امام باقر علیهم السلام درباره آیه ۱۲۵ سوره آل عمران تصریح شده است که فرشتگانی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را در روز بدر، بر روی زمین یاری دادند، هنوز به آسمان صعود نکرده و تا زمانی که مهدی را یاری نکنند صعود نخواهند کرد و تعداد آنها پنج هزار است. (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۱، ۱۹۷)

نمود حیات طیبه در صفات دولت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف

مجموع صفات و ویژگی هایی که برای دولت حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان شده است نیز دلیل بر محوریت حیات طیبه و به تبع آن اجرای مفهوم قرآنی تأمین اجتماعی در عصر ظهور دارد. برای نمونه از امام باقر علیهم السلام درباره آنچه در خطبه دوم نماز جمعه باید گفت، چنین روایت شده است:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْعُبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ نُعْزِبُهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ، وَ تُذِلُّ بِهَا التِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ، وَ نَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَ الْقَادَةَ فِي سَبِيلِكَ، وَ تَرْزُقُنَا فِيهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۶، ۴۷۲)

در این فراز نورانی، صفت دولت آرمانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، کریمه بودن آن دولت ذکر شده است. یعنی دولتی که محور تمام شئون آن، کرامت، بزرگواری، نیکویی و خوبی است؛ به

گونه‌ای که نتیجه آن عزت و سرافرازی اسلام و مسلمانان و خواری و ذلت نفاق و منافقان خواهد بود. دولتی که در آن مردم به طاعت خدا دعوت می‌شود و به راه خداوند رهنمون می‌گردند و در نهایت کرامت دنیا و آخرت نصیب آنان خواهد شد. کرامتی امنیت‌آفرین و آرامش‌بخش که جز در سایه حیات طیبه به دست نخواهد آمد. دولتی که در آن به واسطه امامت امام معصوم علیه السلام، جان انسان‌ها حفظ و بین آنان انس و الفت برقرار شده و امنیت و آرامش مادی و جسمی از یک سو و امنیت و آرامش معنوی و روحی از سوی دیگر تأمین می‌گردد:

... يَحْتُنُّ اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - بِهِ الدِّمَاءِ، وَيَصْلِحُ بِهِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَيَلْمُ بِهِ الشَّعْثَ، وَيَشَعْبُ بِهِ الصَّدْعَ، وَيَكْشُو بِهِ الْعَارِيَ، وَيَشْبِعُ بِهِ الْجَائِعَ، وَيُؤْمِنُ بِهِ الْخَائِفَ، وَيَنْزِلُ اللَّهُ بِهِ الْقَطْرَ... (همان: ج ۲، ۸۰)

تحقق کرامت دنیا و آخرت در دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه به این معناست که هر آنچه انسان و جامعه بشری برای برخورداری از سعادت و بهروزی حقیقی به آن نیاز دارد، محقق خواهد شد و انسان طعم شیرین حیات طیبه را با تمام وجود خواهد چشید. در دوران ظهور، حق مؤمن بودن، انجام عمل صالح و به تبع آن برخورداری از آرامش روح و سلامت جسم، فراهم خواهد بود. در دوران ظهور، با آرامش و امنیت کامل، تنها خدای یگانه پرستش می‌شود و جایگاهی برای شرک و کفر وجود ندارد. (نور: ۵۵) طبق روایتی از امام باقر علیه السلام، یاران مهدی، مبارزه‌ای سخت برای استقرار یگانه پرستی همراه با امنیت خواهند داشت؛ تا جایی که خداوند به یگانگی خوانده می‌شود و به او ذره‌ای شرک ورزیده نمی‌شود؛ آن‌چنان که پیرزن فرتوت از مشرق جهان به مغرب می‌رود و کسی متعرض او نخواهد شد. (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۶۱) از سوی دیگر، بنابر روایتی از پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در دولت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الیه، همان‌گونه که ظلم جای خود را به عدل خواهد داد، علم و دانش نیز جای جهل و خرافات را خواهد گرفت:

... الْقَائِمُ الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْأَرْضَ نُورًا بَعْدَ ظُلْمَتِهَا وَ عَدْلًا بَعْدَ جَوْرِهَا وَ عِلْمًا بَعْدَ جَهْلِهَا... (صدوق، ۱۴۲۲: ج ۱، ۲۹۱، ۵)

... قائم آن که خداوند عزوجل زمین را به واسطه او پس از تاریکی پراز نور و پس از ستم پراز عدل و پس از جهل پراز دانش می‌کند...

تحقق کامل معیشت مادی افراد جامعه نیز تنها در دوران ظهور و حاکمیت امام حق امکان پذیر است. در روایتی از امام باقر علیه السلام چنین آمده است:

... إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسَّوِيَةِ وَ عَدَلَ فِي الرَّعِيَةِ... تَجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهْرَهَا فَيَقُولُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدِّمَاءَ الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ... (نعمانی، ۱۳۹۷: ق ۳۷، ح ۲۶)

زمانی که قائم اهل بیت به پاخیزد، (اموال را) به مساوات تقسیم می‌کند و نسبت به رعیت عدالت می‌ورزد... اموال دنیا از درون و بیرون زمین برای او جمع می‌شود؛ پس به مردم می‌گوید: بیائید (و بگیرید) آنچه را که برای آن قطع رحم کردید و خون حرام ریختید و آنچه خدا حرام کرده بود انجام دادید...

چگونگی تحقق کامل تأمین اجتماعی در دولت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ممکن است با توجه به آنچه ذکر شد، این ذهنیت حاصل شود که در حکومت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، همه امور از طریق اعجاز و عوامل غیبی پیش خواهد رفت و عدالت‌گستری و تأمین اجتماعی بدون راهکارهای شناخته شده، محقق خواهد شد. چنین تصویری مردود است؛ بلکه کارگزاران و یاران امام، افراد باایمان و صالحی هستند که در قوت ایمان، دل‌هایی مانند پاره‌های آهن دارند و هیچ شک و شبهه‌ای در دل نسبت به ذات خداوند ندارند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۰۸) آنان چنان مطیع محض امام خود هستند که طبق روایتی از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف، از کنیز نسبت به مولای خود فرمانبردارترند. (صدوق، ۱۴۲۲ق: ج ۱، ۳۰۰، ح ۱۱) وجود چنین یارانی و وجود چنان امامی همراه با تأیید و نصرت الهی و تعلق اراده تکوینی خداوند به تحقق قطعی وعده خود، باعث تحقق کامل تأمین اجتماعی و حیات طیبه خواهد شد. بنابر روایت امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف طبق سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عمل خواهد کرد (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۳۱، ح ۱۳) با این تفاوت که به عنوان باقی مانده خداوند بر روی زمین و آخرین امید مستضعفان و محرومان، وعده خداوند را قطعاً جامه عمل خواهد پوشاند. اگر امام عجل الله تعالی فرجه الشریف، تنها، اجراکننده عهدنامه امیرمومنان عجل الله تعالی فرجه الشریف به مالک اشتر باشد، کافی است تا تأمین اجتماعی مبتنی بر حیات طیبه، کاملاً محقق گردد. عهدنامه‌ای که در آن از دقیق‌ترین نیازهای انسان اجتماعی غفلت نشده و در صورت وجود شرایط، توسط هریک از امامان معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف اجرا می‌شد و بدون شک منشور حقیقی حقوق بشر، حقوق شهروندی، عدالت و نظام تأمین اجتماعی است.

حرکت به سوی تأمین اجتماعی قرآنی در دوران انتظار

همان‌گونه که گذشت، حیات طیبه، محصول عمل صالح مؤمنانه است؛ از این رو، هرچند تحقق کامل تأمین اجتماعی در مفهوم قرآنی آن، مستلزم تشکیل دولت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، ولی این بدان معنا نیست که هیچ سعی و تلاشی در دوران غیبت، جهت حرکت به سوی آن مقصد عالی صورت نپذیرد. انتظار دولت کریمه مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف انتظاری فعال است و نه

منفعل. منتظران ظهور در عصر انتظار، آن گاه می‌توانند انتظار خود را سنجه کنند و راستی آن را بیازمایند که زندگی اجتماعی آنان در راستای زندگی و حیات طیبه عصر حضور باشد. از این رو، هرچه جامعه منتظر دولت کریمه مهدوی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمَنِ، در راستای ایمان و عمل صالح (حیات طیبه) گام بردارد، افزون بر این که خود، از آثار مادی و معنوی آن بهره‌مند می‌گردد (اعراف: ۹۶؛ مائده: ۶۶؛ هود: ۳ و ۵۲؛ نوح: ۱۱-۱۲)، شرایط تشکیل دولت مهدوی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمَنِ و به تبع آن تحقق کامل تأمین اجتماعی، نزدیکتر خواهد شد. بر این اساس، تمامی اندیشه‌ها، سیاست‌ها، راهکارها و قوانین موضوعه در جامعه منتظر، به ویژه جامعه‌ای که در آن دولتی قرآنی و اسلامی شکل می‌گیرد، باید باهدف رسیدن به حیات طیبه و کرامت، امنیت و آرامش جامعه و به تبع آن سعادت هر دو جهانی آنان باشد. نظام تأمین اجتماعی نیز از این اصل مستثنی نیست و بر اساس مفهوم حیات طیبه، همه اندیشه‌ها و راهکارها در آن باید در راستای تأمین کرامت انسان باشد. کرامتی که به عنوان حقی انسانی منشأ حقوقی دیگر برای انسان است که با توجه به مفهوم قرآنی تأمین اجتماعی، باید در بستر اجتماع استیفا شود که به طور اختصار به برخی از آن اشاره می‌شود:

الف) حق تأمین اجتماعی اقامه نماز و پرداخت شدن زکات (بقره: ۱۱۰؛ توبه: ۷۱؛ حج: ۴۱؛ نور: ۷۸؛ عنکبوت: ۴۵؛ لقمان: ۱۷)؛

ب) حق تأمین اجتماعی برخورداری از نسل با ایمان و سالم (بقره: ۱۲۸؛ ابراهیم: ۴۰؛ نحل: ۷۲؛ کهف: ۴۶؛ فرقان: ۷۴)؛

ج) حق تأمین اجتماعی تعلیم و تربیت و تزکیه و برخورداری از اخلاق و حکمت (بقره: ۱۲۹؛ آل عمران: ۱۶۴)؛

د) حق تأمین اجتماعی امنیت غذایی و تغذیه پاکیزه (بقره: ۱۶۸؛ نحل: ۱۱؛ ۱۴؛ ۶۵-۶۹؛ ۱۱۴)؛

ه) حق تأمین اجتماعی امنیت جانی و بدنی (بقره: ۱۷۸-۱۷۹)؛
و) حق تأمین اجتماعی برخورداری از مدیران و مسئولان امین و آگاه (یوسف: ۵۵؛ شعراء: ۱۸۱-۱۸۳)؛

ز) حق تأمین اجتماعی برخورداری از محیط زیست سالم (انعام: ۱۴۱؛ حج: ۵؛ حجر: ۱۹؛ نحل: ۵-۸؛ ۱۱-۱۴؛ ۶۸؛ نور: ۴۳؛ شعراء: ۷؛ نمل: ۶۰-۶۱؛ ۸۸؛ فاطر: ۲۷؛ سجده: ۲۷؛ عبس: ۲۴-۳۲؛ اعلی: ۴-۵).

با کمال خوشوقتی، کلیات و روح تأمین اجتماعی به مفهوم قرآنی آن و با تأکید بر تأمین

حیات طیبه، در اصول متعددی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران لحاظ شده است. در اصل دوم قانون اساسی، جمهوری اسلامی، نظامی بر پایهٔ ایمان به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا معرفی شده است. در اصل سوم، دولت^۱ جمهوری اسلامی، موظف به ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیهٔ مظاهر فساد و تباهی، ایجاد رفاه، رفع فقر، برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه، تأمین حقوق همه‌جانبهٔ افراد از زن و مرد، ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون شده است. تصریح بر عبارت «ایجاد محیط مساعد»، دقیقاً همسو با مفهوم قرآنی تأمین اجتماعی است که به صراحت، وظیفهٔ دولت عنوان شده است. روشن است که اطلاق محیط مناسب، شامل همهٔ محیط‌های زندگی انسان و به گونهٔ ویژه، محیط اجتماعی است. در اصل هشتم دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای همگانی و متقابل بر عهدهٔ مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، مطرح شده است. بر همین اساس، در قانون ۲۴ ماده‌ای حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، مصوب ۲۳ فروردین ۱۳۹۴، وظائف و مسئولیت‌های مستقیم نهادهای حاکمیت، به عنوان تکلیفی قانونی بیان شده است. برای نمونه، مادهٔ ۱۰ این قانون می‌گوید:

وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان صداوسیما، جمهوری اسلامی ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان بسیج مستضعفان، شهرداری‌ها و سایر نهادها و دستگاه‌های فرهنگی مکلفند شرایط اقامهٔ امر به معروف و نهی از منکر و بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در این خصوص را از طریق آموزش و اطلاع‌رسانی فراهم کنند. (منصور، ۱۳۹۸: ۳۸۳-۳۸۴)

اصل دهم، خانواده را به عنوان واحد بنیادی جامعهٔ اسلامی معرفی کرده و همهٔ قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌ها را در جهت آسان کردن تشکیل خانواده و پاسداری از قداست و استواری آن بر پایهٔ حقوق و اخلاق اسلامی خواهان شده است. از این رو در مادهٔ ۲۱ قانون حمایت خانواده، نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، حامی ازدواج دائم به عنوان مبنای تشکیل خانواده و در جهت محوریت و استواری روابط خانوادگی معرفی شده است. (نیکویان، ۱۳۹۷: ۳۲۱)

۱. به عنوان قدرت حاکمه و نیرومندترین نهاد اجتماعی.

در اصل بیست و یکم، به ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست و اعطای قیومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه^۱ آنها در صورت نبودن ولی شرعی تصریح شده است. در قانون حمایت خانواده، این اصل قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته شده است. در ماده ۴۲ چنین آمده است:

حضانت فرزندی که پدرشان فوت شده با مادر آنهاست مگر آن که دادگاه به تقاضای ولی قهری یا دادستان، اعطای حضانت به مادر را خلاف مصلحت فرزند تشخیص دهد. (نیکویان، ۱۳۹۷: ۳۲۸)

همچنین در ماده ۴۵ به رعایت غبطه و مصلحت کودکان و نوجوانان در کلیه تصمیمات دادگاهها و مقامات اجرایی، به عنوان الزامی قانونی، تأکید شده است.

در اصل بیست و دوم به مصونیت حیثیت، جان، مال، مسکن و شغل اشخاص از تعرض تأکید شده است. در اصل بیست و نهم، صراحتاً به تأمین اجتماعی در مفهوم سازمانی و رایج آن اشاره شده است:

برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین، از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.

در این جا تذکر این نکته ضروری است که تأمین اجتماعی به مفهوم سازمانی و شایع آن، نه تنها بی ارتباط با مفهوم قرآنی تأمین اجتماعی نیست، بلکه یکی از مهم ترین ساحت های گستره موضوعی آن است. نهادهای تأمین اجتماعی، با هدف قرار دادن تأمین معیشت مادی و حمایت بیمه ای افراد تحت پوشش، خدمات شایانی در راستای تأمین کرامت، امنیت و آرامش اجتماعی ارائه می کنند. برای نمونه، سازمان تأمین اجتماعی، به عنوان یکی از نهادهای تأمین اجتماعی، تعهدات حمایتی خود به بیمه شدگان را به دو نوع مختلف تقسیم کرده است:

الف) تعهدات کوتاه مدت شامل: ۱. حمایت های درمانی در موارد بیماری، بارداری، حوادث و...؛ ۲. پرداخت غرامت دستمزد ایام بیماری؛ ۳. پرداخت غرامت دستمزد ایام بارداری؛ ۴. پرداخت هزینه سفر و اقامت بیمار و همراه؛ ۵. مشارکت در تأمین هزینه پروتز و ارتوز (تأمین

۱. به معنای مصلحت و منفعت.

هزینه وسایل کمک پزشکی)؛ ۶. پرداخت غرامت نقص عضو مقطوع؛ ۷. پرداخت کمک هزینه ازدواج؛ ۸. پرداخت هزینه کفن و دفن به بازماندگان بیمه شده متوفی؛ ۹. پرداخت مقرری بیمه بیکاری.

ب) تعهدات بلندمدت: ۱. پرداخت مستمری بازنشستگی؛ ۲. پرداخت مستمری از کارافتادگی کلی؛ ۳. پرداخت مستمری از کارافتادگی جزئی؛ ۴. پرداخت مستمری بازماندگان؛ ۵. پرداخت مزایای نقدی، غیرنقدی و عیدی مستمری‌بگیران (کمک عائله‌مندی، کمک هزینه اولاد، عیدی و...) (کارگروه تدوین راهبردی مطالب درسی آموزش و پرورش سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۴: ۵۱-۵۲)

این خدمات و حمایت‌ها، با رعایت جنبه‌های فقهی و حقوقی آن، بدون شک می‌تواند از مصادیق ایمان، عمل صالح و تعاون بر خیر و تقوا باشد که طبق نص قرآنی «... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى...» (مائده: ۲) خود یکی از مهم‌ترین عناصر اجرایی نظام قرآنی تأمین اجتماعی است.

اصل سی و یکم، داشتن مسکن متناسب با نیاز را حق هر فرد و خانواده ایرانی و دولت را موظف به فراهم کردن آن دانسته است.

با این بیان، می‌توان ادعا نمود که دولت اسلامی به مفهوم قدرت حاکمه، دولت تأمین اجتماعی به مفهوم قرآنی آن است؛ لکن مهم‌تر از اصل تأمین این نیازها، تأمین کریمانه آن است؛ زیرا انسان به گونه فطری به آزادگی، عزت و کرامت نفس گرایش دارد و از پستی‌ها گریزان است. (کاویانی، ۱۳۹۶: ۱۰۸) کرامت، بستر مهمی برای ایجاد حالت سلامت و امنیت روانی در انسان است. انسان با کرامت، در بستر پاکی، نور و صفای باطنی قرار دارد؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت امنیت روانی، نخستین و نزدیک‌ترین حالت کرامت است. همچنین، ایجاد روح بندگی و اطاعت از نتایج کرامت نفس است. (شاملو، ۱۳۷۸: ۸۸؛ سالاری فرو و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۵)

در پایان، تذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که عدم اجرای صحیح تأمین اجتماعی در مفهوم قرآنی آن، نه تنها حقیقت آن را تغییر نخواهد داد، که نشان‌دهنده کوتاهی و سستی جامعه دوران انتظار در بهره‌گیری از هدایت‌های قرآن کریم و ظرفیت عظیم سعادت‌بخشی آن باهدف زمینه‌سازی عصر ظهور است.

نتیجه‌گیری

نظام تأمین اجتماعی در مفهوم رایج و شایع آن، از سویی باتوجه به خاستگاه غربی لیبرال سرمایه‌داری و دید سکولار به انسان و جهان، دارای مفهومی تک‌بُعدی و دنیامدار و باهدف تأمین نیازهای مادی افراد جامعه است و از سوی دیگر خود را مقدمه عدالت اجتماعی معرفی کرده است. گذشته از این که همین هدف نیز با چالش‌های فراوانی روبروست؛ الگوبرداری از این مفهوم در جامعه‌هایی با حاکمیت قرآن کریم جای بسی تعجب و افسوس دارد. از طرف دیگر با توجه به آیات و روایات فراوان که در آن دولت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، دولتی با محوریت اقامه عدالت معرفی شده است، مفهوم نظام تأمین اجتماعی در آن دولت کریمه نیز در راستای تحقق عدالت حقیقی و کامل از جمله عدالت اجتماعی است. هدف غایی - و نه راهکارهای واسطه‌ای - نظام تأمین اجتماعی، حتی در مفهوم رایج و متداول آن، تأمین امنیت و در نهایت آرامش انسان است. این هدف ارتباطی تنگاتنگ با حیات طیبه انسان دارد. مفهوم تأمین اجتماعی با توجه به حیات طیبه، مفهومی بسیار متفاوت و گسترده‌تر است. مفهومی که تأمین‌کننده نیازهای مادی و معنوی و زندگی هر دو جهانی انسان است. حیات طیبه زندگی کرامت‌مدار، امنیت‌زا و آرامش‌بخش و در نتیجه زندگی شادمانه مستدام انسان است. زندگی که در آن، تأمین زندگی مادی و معیشتی نه تنها مغفول نیست که از مهم‌ترین عناصر و مؤلفه‌های تشکیل آن است. ایمان و عمل صالح به عنوان عناصر سازنده حیات طیبه ارتباطی معنا دار با آیات مهدویت و تشکیل حکومت جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد. دو عنصری که هم در اعتقاد به مهدویت و هم در زمینه‌سازی دوران ظهور و هم در تلقی مفهوم نظام تأمین اجتماعی در دولت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف نقش بسیار سازنده‌ای دارد. مفهوم نظام تأمین اجتماعی در دوران ظهور، مفهومی ایمان‌مدار و عمل صالح‌محور است و با توجه به درجات و مصادیق قرآنی ایمان و عمل صالح، تأمین‌کننده تمامی نیازهای انسان در بستر اجتماع برای کسب کرامت، امنیت و آرامش هر دو جهانی است. این تلقی از مفهوم نظام تأمین اجتماعی، موجب آن خواهد بود که در دوران انتظار، نظام تأمین اجتماعی در جوامع قرآن‌مدار، نظامی برگرفته از آموزه‌های قرآن کریم و در راستای مفهوم آن در دولت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف و برای تأمین نیازهای مادی و معنوی و در نتیجه امنیت و آرامش جسمی و روحی انسان اجتماعی باشد و نه آنچه که در اندیشه سکولار و تنها برای تأمین جنبه‌های محدود مادی و لذت‌های دنیوی مطرح شده است.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

صحیفه سجادیه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۲۲ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چهارم.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۹۸۴م)، *تفسیر التحریر و التنویر*، تونس، دارالکتب التونسیه، اول.
۳. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، اول.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر، سوم.
۵. ابوزهره، محمد (۱۹۹۱م)، *التکافل الاجتماعی فی الاسلام*، قاهره، دارالفکر العربی، اول.
۶. اجتهادی، ابوالقاسم (۱۳۶۳)، *بررسی وضع مالی و مالیة مسلمین از آغاز تا پایان دوران اموی*، تهران، سروش، اول.
۷. اخوان بهبهانی، علی؛ مسعودی اصل، ایروان (۱۳۹۶)، *اصول و مبانی بیمه های اجتماعی*، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، اول.
۸. ایوب، حسن (۲۰۰۶م)، *السلوک الاجتماعی فی الاسلام*، قاهره، دارالسلام، دوم.
۹. آراسته خو، محمد (۱۳۹۱)، *تأمین و رفاه اجتماعی*، تهران، دانشگاه پیام نور، هفتم.
۱۰. بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، چاپ اول: تهران، بنیادبعثت.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، *تفسیر موضوعی قرآن کریم (قرآن در قرآن)*، قم، مرکز نشر اسراء، سوم.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق)، *تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت، دارالعلم للملایین، اول.
۱۳. حامد مقدم، احمد (۱۳۶۸)، *پژوهشی در نظام حمایتی اسلام*، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی ع.ا.ع.، اول.
۱۴. حسینی، سیدرضا (۱۳۹۰)، *الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، اول.
۱۵. حویزی عروسی، ابن جمعه (۱۴۱۵ق)، *نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان، اول.
۱۶. دادمرزی، سید مهدی (۱۳۹۲)، *فقه استدلالی*، قم، کتاب طه، بیست و چهارم.
۱۷. رازی، فخرالدین محمد (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالعلم، اول.
۱۹. زبیدی، محمد (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر، اول.
۲۰. زحیلی، وهبة بن مصطفى (۱۴۱۸ق)، *التفسیر المنیر*، بیروت / دمشق، دارالفکر المعاصر.
۲۱. زمخشری، محمود (۱۴۱۷ق)، *الفائق فی غریب الحدیث*، بیروت، دارالکتب العلمیة، اول.
۲۲. سالاری فر، محمدرضا (۱۳۹۳)، *بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سوم.
۲۳. شاملو، سعید (۱۳۷۸)، *بهداشت روانی*، تهران، انتشارات رشد، سیزدهم.
۲۴. شعیری، محمد بن محمد (بی تا)، *جامع الاخبار*، نجف، مطبعة حیدریه.
۲۵. صدر، محمد باقر (۱۴۰۲ق)، *اقتصادنا*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، شانزدهم.
۲۶. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۳ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، سوم.
۲۷. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مشهد، نشر مرتضی، اول.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۵ق)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، *الامالی*، قم، دارالثقافة، اول.
۳۱. عاقلی، فضیله (۲۰۱۵م)، *التکافل الاجتماعی فی الاسلام و ابرز صوره*، طرابلس، مرکز جیل البحث العلمی.
۳۲. عبد الباقي، فؤاد (۱۴۲۸ق)، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، بیروت، دارالمعرفة، پنجم.
۳۳. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *التفسیر*، تهران، المطبعة العلمیة، اول.
۳۴. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵)، *روضه السواعظین و بصیرة المتعظین*، قم، انتشارات رضی.
۳۵. فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۶)، *سیاست های اقتصادی در اسلام*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سوم.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت، دوم.
۳۷. قابل، احمد (۱۳۸۳)، *اسلام و تأمین اجتماعی، مبانی و راهکارهای حمایتی و بیمه ای در قرآن، روایات، اخلاق و فقه اسلامی*، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، اول.
۳۸. القضاة، معن خالد (۲۰۰۷م)، *فقه السياسة المالية فی الاسلام*، اردن، عالم الکتب الحدیث،

- اول.
۳۹. کارگروه تدوین راهبردی مطالب درسی آموزش و پرورش سازمان تأمین اجتماعی (۱۳۹۴)، *تأمین اجتماعی برای همه*، تهران، مؤسسه فرهنگی و هنری آهنگ آتیه، اول.
۴۰. کافی، مجید (۱۳۹۷)، *سبک زندگی اجتماعی با تأکید بر آیات قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، اول.
۴۱. کاویانی، محمد (۱۳۹۶)، *روانشناسی در قرآن؛ مفاهیم و آموزه‌ها*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، دهم.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، *الکافی*، قم، دارالحدیث.
۴۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۴. محمودی، مالک؛ بهادری، ابراهیم (۱۳۸۹)، *بهبیستی و تأمین اجتماعی در اسلام*، تهران، اداره کل روابط عمومی سازمان بهزیستی کشور، اول.
۴۵. مشهدی قمی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸)، *تفسیر کنز الدقایق و بحر الحقایق*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۴۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، *نظری به نظام اقتصادی اسلام*، تهران، انتشارات صدرا، پنجم.
۴۷. مغربی، نعمان بن محمد (۱۴۰۹ق)، *شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار علیهم السلام*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، اول.
۴۸. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق)، *تفسیر الکاشف*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۹)، *پیام امام امیرالمؤمنین علیهم السلام*، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیهم السلام، اول.
۵۱. موسوی، میرطاهر؛ محمدی، علی محمد (۱۳۸۸)، *مفاهیم و نظریه‌های رفاه اجتماعی*، تهران، نشر دانژه، اول.
۵۲. مؤدب، سیدرضا (۱۳۹۳)، *مبانی تفسیر قرآن*، قم، انتشارات دانشگاه قم، سوم.
۵۳. میرزایی، رحمت (۱۳۹۴)، *مبانی مددکاری اجتماعی*، تهران، دانشگاه پیام نور، اول.
۵۴. نجارزادگان، فتح‌الله (۱۳۸۹)، *بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، اول.
۵۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تهران، نشر صدوق، اول.
۵۶. ولائی، عیسی (۱۳۸۳)، *فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول*، تهران، نشر نی، سوم.